

حرف حساب

آفتدر سریال خشن دیده‌اند که دیگر نمی‌ترسند!



دکتر سیما فردوسی، روان‌شناس

از دلایل ساخت آثار نمایشی که روی عنصر خشونت تأکید دارند، الگوبرداری از فیلم‌های غربی است که در حال شکل گرفتن است. شاید فکر می‌کنند با ساخت چنین کارهایی می‌توانند در مخاطب یک نوع تحرک و هیجان ایجاد کنند. به هر حال مخاطبانی هستند که دوست دارند کارهایی ببینند که برای‌شان تولید هیجان کند. حال فیلم‌هایی که در آن خشونت هست به نوعی هیجان را ایجاد می‌کند اما هیجانی که منفی و محرک است. سینماگران ما هم فکر می‌کنند برای مخاطب اثری جذاب تولید می‌کنند، در حالی که این کارها، آثار روانی مخربی روی مخاطب می‌گذارند، به ویژه بر افرادی که در سنین پایین‌تری قرار دارند تأثیرات مخرب‌تر است، اگر چه در ابتدای پخش هشدار داده می‌شود که این فیلم با سریال حاوی صحنه‌های خشن و نامناسب برای بچه‌های زیر ۱۴سال است، ولی خیلی‌ها رعایت نمی‌کنند و بسیاری از بچه‌های امروزی ابزار فضای مجازی را در اختیار دارند. این میزان ترس و وحشت بالا می‌تواند فرد را منزوی و گوشه‌گیر کند. می‌تواند به لحاظ بر خوردهای اجتماعی روی افراد تأثیر بگذارد و خود، تبدیل به ترس‌ها و هیجان‌ها دیگری شود، آنگونه که هیجان‌ها می‌توانند از یک محرک به محرک دیگر تبدیل شوند. وقتی مخاطب از دیدن آثار تکراری خسته می‌شود، زمینه برای ساخت چنین آثاری با هدف ایجاد هیجان فراهم می‌شود، چرا که به دنبال کار نو متفاوت هستند که این فیلم‌ها این تفاوت را ایجاد می‌کنند. مخاطبان به دلیل اینکه مدام آثار ترسناک و وحشتناک دیده‌اند، با هر چیزی نمی‌ترسند و برای‌شان امری عادی شده است، بنابراین سازنده تلاش می‌کند میزان ترس و وحشت را شدید کند. در حال حاضر قابلیتی هم بین ساخت چنین کارهایی با این میزان ترس و خشونت ایجاد شده است. به هر حال فیلمسازان با یکدیگر رقابت می‌کنند و وقتی می‌بینند فیلم و سریالی ساخته شده است که میزان مخاطب بالایی دارد، سعی می‌کنند آنها هم از همان روش استفاده کنند، اما خوب است قبل از ساخت این کارها، میزگردی هم از طرف جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان برای افرادی که با مسائل روبرو هستند، تشکیل و از آنها هم نظرخواهی شود؛ اینکه آیا این میزان خشونت خوب است و چه تأثیری می‌تواند داشته باشد و تمام نکاتی که جای سؤال است قبل از ساخت کار با صاحب‌نظران صحبت شود و نظرات آنها را هم اعمال کنند.

خبر

همزمان با سینماها

مسافری از گانورا

با به مناطق فاقد سینما گذاشت

انیمیشن سینمایی «مسافری از گانورا» که از هفته گذشته به چرخه اکران‌های عمار بیوست، قرار است از سوی جشنواره عمار در مناطق فاقد سینما اکران مردمی شود.

«مسافری از گانورا» داستان پسر بچهای به نام «سهیل» است که از معلولیتی رنج می‌برد. او برای رها شدن از این رنج وارد ماجرای نفسگیر می‌شود تا در عوض دستیابی به توانایی راه رفتن به موجودات فضایی کمک کند تا فضاییهای فرامانروی گانورا را پیدا کنند. این انیمیشن سینمایی به کارگردانی سیداحمد علمدار و تهیه‌کنندگی و نویسندگی سیدمحمدحسین علمدار تولید شده است.

انیمیشن «مسافری از گانورا» مفاهیمی نظیر قهرمان واقعی در مقابل ابرقهرمان‌های خیالی، امیدواری، برادری با مهاجران، احترام به والدین و مفاهیم مربوط به دفاع مقدس را به صورت هنرمندانه برای مخاطب کودک خود بازگو می‌کند. مسافری از گانورا از نیمه آذرماه به فهرست اکران سینماهای سراسر کشور افزوده شده است و در ۴۸ ساعت که از اکران عمومی این انیمیشن گذشت ۳هزار و ۱۶۶ نفر این انیمیشن را تماشا کردند. این اثر در سی و پنجمین جشنواره المپلی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان موفق به دریافت برنزه زرین جایزه ویژه دبیر جشنواره، تندیس ویژه ستاد ملی خانواده و جوانی جمعیت و همچنین جایزه «فرهنگ بنیان» شد.

قاب سینما

پانتولیک

بامحمد رضا گلزار به شبکه ۳ می‌آید

محمد رضا گلزار، بازیگر سینما و تلویزیون با مسابقه‌ای با عنوان «پانتولیک» به شبکه ۳ می‌آید.

چندی پیش اعلام شد «پانتولیک» با اجرای محمد رضا گلزار در حال تولید است و حالا خبرها حاکی از رسیدن احتمالی این برنامه به آنتن زمستان شبکه ۳ سیماست. این مسابقه با محوریت بازی پانتومیم و به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی، تهیه‌کننده سابق برنامه‌های «خندوانه» و «ستار ساز» روی آنتن شبکه ۳ خواهد رفت. پیش از این جواد فرحانی، تهیه‌کننده این برنامه تلویزیونی به



تسلیم گفته بود برنامه پانتولیک، یک مسابقه تلویزیونی با محوریت پانتومیم است که در آن شرکت کنندگان در قالبی جذاب و سرگرم‌کننده باهم رقابت می‌کنند. همچنین با توجه به تیزر منتشر شده احتمالاً این برنامه در کنکاتور زمستانی شبکه ۳ سیما قرار خواهد گرفت.

سینما

هر قدر جلو می‌رویم جلال مهم‌تر می‌شود



ما را همراهی کند.

در ادامه محمد ناصرزاده، پژوهشگر از خانه سینما و جلال با عنوان خانهای رویایی یاد کرد و درباره سده جلال توضیح داد: ما درگیر جلال آل احمد از آن دسته افرادی است که هر چه می‌گذرد، بیشتر شناخته می‌شود. مهدی قزلی، مدیر خانه شعر و ادبیات در مراسم صدمین سالروز تولد جلال آل احمد که در دزاشیب با حضور جمعی از دوستان اراد ادبیات و اعضای خانه شعر و ادبیات برگزار شد، گفت: ادبیات امروز ما آنچه در داستان، روایت، نثر و حتی روزنامه‌نگاری داریم، وام‌دار جلال است و اگر قرار باشد نوشته ما شبیه کسی باشد، شبیه اوست. جلال آدم اهل تغییر بود و با خودش هم تعارف نداشت، چه برسد به دیگران.

قزلی گفت: مسأ تصمیم گرفتیم به مناسبت سالروز ۱۰۰سالگی جلال و برای آنکه از این نویسنده یاد کرده باشیم، توری به اسالم برگزار کنیم؛ شهری که جلال روزهای آخر عمر خود را آنجا گذراند و همان‌جا هم از دنیا رفت اما همچنان در شهر زنده است و اهالی ۶۰ساله این شهر از او به نیکی یاد می‌کنند، به همین دلیل این تور از خانه موزه سینما و جلال شروع می‌شود و محمد ناصرزاده که مدتی هیئت مدیره خانه کتاب و ادبیات ایران بود و نسبتی هم با خانواده آل احمد دارد برای ما درباره این نویسنده صحبت می‌کند.

همچنین قرار بود در خدمت محمدحسین داناوی خواهرزاده جلال هم باشیم که متأسفانه به دلیل کسالتی که جلال پیش از مدت‌ها نتوانست به دلیل کسالتی که جلال پیش از مدت‌ها نتوانست

بررسی می‌کرد. افرادی که در جامعه مدارگری و افراد را وارد آن می‌کنند، فرصت تحقیق ماحصل آن را ندارند. به نظر می‌رسد جلال برای شبکه‌های اجتماعی می‌نوشت، بلافاصله جلال آل احمد هستیم و به عبارتی در سده جلال به سر می‌بریم. بسیاری از نویسندگان در دنیا رساله‌ها و مدارهایی تعریف کرده‌اند. این سلسله در جامعه زخم به وجود آوردند و به تعریف اطروپی می‌توانستند به جامعه زخم بزند تا اثر آن در ذهن باقی بماند و بر اساس

بررسی می‌کرد. افرادی که در جامعه مدارگری و افراد را وارد آن می‌کنند، فرصت تحقیق ماحصل آن را ندارند. به نظر می‌رسد جلال برای شبکه‌های اجتماعی می‌نوشت، بلافاصله جلال آل احمد هستیم و به عبارتی در سده جلال به سر می‌بریم. بسیاری از نویسندگان در دنیا رساله‌ها و مدارهایی تعریف کرده‌اند. این سلسله در جامعه زخم به وجود آوردند و به تعریف اطروپی می‌توانستند به جامعه زخم بزند تا اثر آن در ذهن باقی بماند و بر اساس

جلال مستدنگاری را وارد ادبیات ایران کرد. خیانت روشنفکری، خدمت روشنفکری و مستدنگاری موضوعاتی بود که جلال آل احمد آنها را مطرح کرد.



نمای نزدیک

کیا وارد ادبیات ایران شد؟ به عقیده من جلال مستدنگاری را وارد ادبیات ایران کرد. خیانت روشنفکری، خدمت روشنفکری و مستدنگاری موضوعاتی بود که جلال آل احمد آنها را مطرح کرد. موضوع مربوط به غرب مگر کم چیزی است که کسی مدار آن را به وجود بیاورد؟ غرب‌زدگی راه تاریکی بود که فردی مثل جلال، نوری در دل آن انداخت اما نه به معنای اینکه پیش از او مفهوم غرب‌زدگی وجود نداشته باشد بلکه تبدیل آن به لاین را

این زخم مداری برای گردش خود انتخاب و در آن مسیر حرکت می‌کنند. او ادامه داد: تمام موضوعاتی که امروز درگیر آن هستیم، منهای فضای مجازی که در دوران جلال وجود نداشته است، بررسی کنید. جلال برای بسیاری از آنها یک مسیر و مدار تعریف کرد. برای مثال روحانیت که جلال آن را مطرح و لاین روحانیت را ایجاد می‌کند. به داناوی خواهرزاده جلال هم باشیم که متأسفانه به دلیل کسالتی که جلال پیش از مدت‌ها نتوانست

«ضد» سرگشته در تعیین ژانر و ایجاد موقعیت



پژوهش‌ها به قدر کافی نیست و کاشت‌های فنی و روایی در موازات خرده‌پیرنگ‌های بی‌حاصل روایتی ناهمگون دارند. در صورتی که ضد می‌توانست چنین قابلیتی داشته باشد که بتواند از ابهامات تاریخی گره‌گشایی کند. اما انگار فیلمساز به مسائل تکراری بسنده می‌کند.



نمای نزدیک

که صورت می‌گیرد که خط روایی فیلم را معشوش می‌کند. سعید هم سرگردانی شخصیتی دارد، با اینکه کارگردان می‌توانست کاراکتر او را مرموز و زیرک نشان دهد اما سعید قدری ساده است که در سکانسی کشش را به پیتا می‌دهد، با اینکه در جیش یک کلت است، باور اینکه او بتواند چریک باشد، به شدت دور از انتظار است. عاشق می‌شود یا به دست و پای ناصر، مافوقش می‌افتد یا اینکه برای ترور شهید بهشتی به یک باره متحول

پژوهش‌ها به قدر کافی نیست و کاشت‌های فنی و روایی در موازات خرده‌پیرنگ‌های بی‌حاصل روایتی ناهمگون دارند. در صورتی که ضد می‌توانست چنین قابلیتی داشته باشد که بتواند از ابهامات تاریخی گره‌گشایی کند. اما انگار فیلمساز به مسائل تکراری بسنده می‌کند.

می‌گویم؛ چیزی مثل شرپا که مفهوم تپالی است و به افرادی گفته می‌شود که پیدا کننده راه در دل کوه هستند و مسیر پیاده‌روی را ایجاد می‌کنند. این تپ آدم‌ها را که بتوانند شکل دیگری صحبت کنند و حرف‌های دیگری بزنند، جلال ایجاد کرد.

این پژوهشگر با اشاره به اینکه اسالم جای مهمی است. افزود: معمولاً افراد به محل تولد خود برمی‌گردند اما جلال به جای آنکه به محل تولدش برگردد، جای دیگری مثل اسالم را به عنوان پایگاه برای خودش مشخص می‌کند.

او اضافه کرد: شخصی مثل جلال بر خورد روشنفکری با حکومت زمان خود را تعریف کرد و این میراث جلال را از یک نویسنده فراتر برد.

ناصرزاده با اشاره به روش‌شناسی جلال توضیح داد: به عقیده من روش جلال روش شهرزادی بود. کارکرد شهرزادی چیست؟ دستور کشتن شهرزاد را می‌دهند و او هم شروع به داستان‌سرایی می‌کند. شبیه شهرزاد این است که اگر مخاطب را با روایتش همراه نکند، کشته می‌شود. شما زمانی هستید که بتوانید مخاطب را با توجه به هیجانی که به متن و روایت می‌دهید، بکشید و برای این موضوع خود را آفریده‌شده ببینید. جلال احساس می‌کرد برای این کار آفریده شده است. شهرزادی‌شدن بین زرد و کنشگر بودن در جامعه است و جلال در بخش زرد آن نبود.



اسکورسوزی به دیوید لین رسید

هیئت ملی نقد آمریکا «قاتلان ماه کامل» را به عنوان بهترین فیلم برگزید. «قاتلان ماه کامل» بهترین فیلم منتخب از سوی هیئت ملی نقد شد و لیلی گلاستون و پل جیاماتی جوایز بهترین بازیگری را به خانه بردند.

با دریافت این جایزه از سوی اسکورسوزی در بخش کارگردانی، لینک او با دیوید لین فیلمساز افسانه‌ای که چهار بار برنده این جایزه شده و بیشترین برد در بین کارگردانان تاریخ را از این جوایز در کارنامه دارد، برابری می‌کند. جالب این است که برندگان این جوایز معمولاً کمترین همپوشانی را با برندگان اسکار در میان تمام دسته‌های اصلی دارند و آخرین بار اسکورسوزی برای «رفتنگان» (۲۰۰۶) در هر دو جایزه برنده شد.

در طول ۳۰سال گذشته، برنده بهترین فیلم هیئت ملی نقد معمولاً نامزدی اسکار بهترین فیلم را نیز دریافت کرده است. «او» (۲۰۱۳) اسپایک جونز، «مکس دیوانه: جاده خشم» جورج میلر (۲۰۱۵) و دنباله پر فروش سال گذشته «تاپ گان: ماوریک» جوزف کوشینسکی با بازی تام کروز از جمله این موارد بوده است.

جایزه بازیگری هیئت ملی نقد آمریکا به پل جیاماتی برای فیلم کمدی-درام «دارندگان» ساخته الکساندر پین رسید. دو برنده این بخش در دهه گذشته که موفق به کسب اسکار هم شده‌اند: کیسی افلک برای «هنجستر کتاب دریا» (۲۰۱۶) و ویل اسمیت برای «شاه ریچارد» (۲۰۲۱) بوده‌اند، اما برندگان قبلی تقریباً به جز سه مورد در میان نامزدهای اسکار جای داشته‌اند.

جایزه بزرگ بازیگر نقش اول زن هم به لیلی گلاستون برای «قاتلان ماه کامل» رسید که پیش‌تر همین جایزه را از جیمس منتقدان فیلم نیویورک دریافت کرده است.

هیئت ملی نقد یک سازمان غیرانتفاعی است که از علاقه‌مندان سینمایی شهر نیویورک و همچنین منتقدان، دانشگاهیان و اعضای صنعت فیلم تشکیل شده است و هر سال ۱۰ فیلم برتر سال خود را نیز معرفی می‌کند.



موسیقی فیلم

تافته جدا بافته فیلم نیست

مجید انتظامی درباره رویداد موسیقیایی «همراه با خاطره‌ها» و نقش خود به عنوان آهنگساز در فیلم‌های مطرح و پر فروش و محبوبیت آنها به واسطه آهنگسازی توضیحاتی ارائه داده است.

این برداشتی که در برخی فیلم‌ها، موسیقی از فیلم بهتر بوده است، شاید زیاد درست نباشد، چون من این تم‌ها و موسیقی‌ها را از دل فیلم‌ها بیرون آوردم. این فیلم حتماً یک موضوع و مفهومی داشته که این تم از آن بیرون آمده است، بنابراین این گونه نمی‌توان گفت که موسیقی یک چیز جدا بافته بوده است.

اگر موسیقی یک چیز جدا بافته باشد، شایسته فیلم‌شدن نبوده است. همه بخش‌های موسیقی باید با فیلم مطابقت داشته و بر آن اثرگذار باشد. برای ساخت موسیقی فیلم‌ها ریاضت کشیده‌ام، با شخصیت‌های فیلم‌ها زندگی کرده‌ام، اگر به شخصیتی در فیلم تیر اصابت کرده، به من تیر اصابت کرده است، اگر او شیمیایی شده، من هم شیمیایی شده‌ام، به همین دلیل موسیقی این فیلم‌ها از قلب من جوشیده و بیرون آمده است.

حتماً آن افرادی که این موسیقی‌ها را دوست دارند، قلب‌شان برای وطن‌شان می‌تپد، دل‌شان می‌خواهد این مملکت آباد بماند، آباد باشد و همه ما باید دست به دست هم دهیم ایران را بزرگ کنیم، اینها موضوع‌هایی بوده که در این فیلم‌ها وجود داشته است، من اینها را با زبان موسیقی بیان کرده‌ام، من عاشق وطنم هستم، همه مردم اگر از ایران بروند، من نمی‌روم، من می‌مانم، فکر نکنید زندگی در این شرایط برای من آسان است، برای من هم سخت است اما باید بمانیم، چون اینجا خاک ماست.

از اینکه دوستانم، شنونده‌هایی که موسیقی‌هایم را دوست دارند، مراد این مدت و در این کنسرت «همراه با خاطره‌ها» تنها نگذاشتند و حمایت کردند، از آنان تشکر می‌کنم. خوشحالم از اینکه افرادی هستند که از موسیقی جدی حمایت می‌کنند، موسیقی فیلم را دنبال می‌کنند و آن را دوست دارند و من را تنها نگذاشته‌اند.

فراسو

دیدگاه